

خاتمه نیکو

تألیف:

عبدالله المطلق

ترجمه:

عبدالحمید گل مهرآبادی

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت‌های مفید

www.aqeedeh.com

www.islamtxt.com

www.ahlesonnat.com

www.isl.org.uk

www.islamtape.com

www.blestfamily.com

www.islamworldnews.com

www.islamage.com

www.islamwebpedia.com

www.islampp.com

www.videofarda.com

www.nourtv.net

www.sadaislam.com

www.islamhouse.com

www.bidary.net

www.tabesh.net

www.farsi.sunnionline.us

www.sunni-news.net

www.mohtadeen.com

www.ijtehadat.com

www.islam۴۱۱.com

تقدیم

* به تمام اساتید و معلمانی که علم و دانش را از آنان آموختم.
* به پدر و مادر عزیز و ارجمندم که از هیچ سعی و تلاشی در راه تربیت دینی‌ام دریغ نوزیده و در همه حال پشتیبان و تکیه‌گاه مستحکمی برایم بوده و هستند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

۶.....	مقدمه عبدالله بن عبدالمحسن التركي
۹.....	مقدمه مترجم
۱۰.....	تقریظ مولانا مطهری
۱۱.....	تقریظ مولانا شهاب الدین شهیدی (حفظه الله) شیخ الحدیث حوزه علمیه احناف خواف
۱۲.....	تقریظ مولانا عبدالله موحدی (حفظه الله) استاد حدیث حوزه علمیه احناف خواف
۱۳.....	فصل اول: خاتمه نیکو
۲۳.....	فصل دوم: اسباب خاتمه سوء
۲۴.....	اسبابی که منشاء خاتمه سوء انسان است
۲۴.....	تأخیر در توبه
۲۶.....	آرزوهای طولانی
۲۹.....	حب معصیت و انجام گناه
۳۰.....	خودکشی
۳۲.....	فصل سوم: اسباب نجات قلب از غفلت و جهالت
۳۳.....	اسباب نجات قلب از غفلت و جهالت:
۳۳.....	یاد مرگ:
۳۴.....	زیارت قبرستان:
۳۴.....	غسل اموات و تشییع جنازه:
۳۵.....	زیارت صالحین:
۳۷.....	فصل چهارم: اعمالی که بر حسن خاتمه دلالت دارند

۴۲.....	خاتمه
---------	-------

مقدمه عبدالله بن عبدالمحسن التركي

الحمد لله تعالى حمداً كثيراً طيباً فيه كما يحب ربنا ويرضى والصلاة والسلام على محمد عبده ورسوله وأشرف أنبيائه ورسله وعلى آله وأصحابه والتابعين لهم بإحسان إلى يوم الدين ...

اما بعد:

انسان همواره در طول حیاتش در دوره‌های مختلف کودکی و جوانی، پیری و کهنسالی در حال دگرگونی است و همواره از حالات مختلف سختی و آسانی، فقر و بی‌نیازی، غم و شادی، بیماری و تندرستی، ضعف و قوت و ... می‌گذرد.

هنگامی که بخواهی انسان را، با این پیچیدگی‌های طول حیاتش، مخاطب قرار دهی به ناچار باید حالتی را که در آن قرار دارد در نظر بگیری تا کلام به مقتضای حال او مناسب قرار گیرد و منفعت و اثر مفیدی بر جای گذارد و اهداف آن تحقق یابد. از این نظر دانشگاه اسلامی امام محمد بن سعود برای ادای رسالت علمی و رهبریش می‌کوشد و با افراد و گروه‌های مختلف خود در خدمت‌گذاری به جامعه مشارکت دارد و احوال جامعه را روشن ساخته و نسبت به آن اهتمام می‌ورزد و نیاز به جامعه را به توجیه و ارشاد احساس می‌نماید. تا در ایجاد جامعه‌ای سالم مبتنی بر محبت و خیرخواهی و پایبندی بر احکام و آداب اسلامی که صورت قولی، عملی و اعتقادی سهیم باشد.

در همین راستا به صورت پیاپی این کتاب‌ها را به قشری از اقشار جامعه که بیشتر نیاز به تذکر، نصیحت و ارشاد دارند تقدیم می‌نماید و این اقشار در واقع غافلان، بیماران و افراد مسن جامعه هستند که در آن احوال شدیدترین نیاز را به تذکر و تشویق بر استقامت در راه حق و پیمودن راه راست و صبر مصیبت و رجوع به سوی خدای متعالی در سختی و تنگدستی و ایمان به قضا و تقدیر خیر و شر و غنیمت شمردن فرصت برای توبه نصوح و پایداری در راه حق و امید پاداش و ثواب و نیک گمانی نسبت به خدای متعال دارند.

و الله تعالى با اعطای نعمت هدایت به اسلام، بر شخص مسلمان منت نهاده و احسان نموده است برای مسلمان شایسته است که قدر این نعمت را بداند و شکر آن را به جای آورد و در حفاظت آن بکوشد و همواره قلبش بین شوق و بیم و امید و خوف باشد و غرق شدن در آرزوهای دنیوی او را از عذاب خدا غافل نکند و همچنین ترس از عذاب به نا امیدی از رحمت خدا منجر نشود. بلکه در حالتی بین آن دو قرار داشته باشد.

﴿ نَبِيِّ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴾ وَأَنَّ عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ الْأَلِيمُ ﴿٥٠﴾

[الحجر: ۴۹ - ۵۰]

«ای پیامبر، به بندگان من خبر ده که همانا من آمرزنده و مهربانم و به درستی که عذاب من همان عذاب دردهنده است.»

همچنین انسان مسلمان باید در ادای شعائر اسلامی بکوشد و خود را برای خدا خالص گرداند. در کسب روزی حلال تلاش نماید و از دنیای خود طوری بهره بگیرد که بر دینش تأثیر نگذارد و به آخرتش نیز ضرری نرساند.

﴿وَأَتَّبِعْ فِيمَا ءَاتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفَسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ﴾

[القصص: ۷۷]

«در آنچه خداوند به تو داده است، سرای آخرت را طلب کن حصه خود را از دنیا فراموش مکن و همان‌گونه که به تو نیکویی کرده، توهم نیکویی کن و در روی زمین فساد را مجوی. همانا خداوند فسادکنندگان را در روی زمین دوست نمی‌دارد.»

دانشگاه در حالی که این سلسله غذای روحانی را تقدیم می‌کند، در پند دادن مسلمان و تشویق کردن او به رجوع الی الله در هر وقت و آگاه نمودن او به کارهایش و چگونگی معامله و رفتارش با جامعه در پرتو هدایت قرآن کریم و سنت رسول گرامی اسلام ﷺ می‌کوشد.

از خداوند متعال مسئلت دارم که آن را نافع و مبارک و خالص برای رضای خود و موثر خیر برای خوانندگان بگرداند و به همه توفیق عمل صالح و حرکت بر صراط

مستقیم را عنایت کند و گمراهان مسلمین را هدایت نماید و امراض آنها را شفا دهد. و آنها را اجرا و عافیت و حسن خاتمه نصیب فرماید. آمین انّه سمیع مجیب.

عبدالله بن عبدالمحسن التركي

مدیر دانشگاه امام محمد بن سعود

مقدمه مترجم

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين والصلاة والسلام على خير خلقه محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين.

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تُلْهِكُمْ ءَمْوَالُكُمْ وَلَا ءَوْلَادُكُمْ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَمَن يَفْعَلْ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَٰسِرُونَ﴾ [المنافقون: ٩]

«ای مؤمنان! مبادا ثروت و دارائی و فرزندانان شما را از یاد خدا غافل نمایند زیرا در این صورت در آخرت جزء ضرر کنندگان قرار می‌گیرد.»

از آنجائی که مرگ آمدنی است و هر شخص باید با خاک یکسان و با کرمهای قبر رفیق و مونس، و با منکر و نکیر روبرو شود و مدتهای طولانی در زیر زمین مدفون بماند و منظره‌های وحشتناک قیامت را تماشا کند و معلوم نیست که وارد بهشت یا دوزخ شود، لازم است که همیشه خوف و بیم مرگ او را به خود مشغول نماید.

دوستان من! زندگی دنیا هر قدر طولانی باشد سرانجام پایان می‌یابد و مال و منال آن هر اندازه زیاد باشد، از بین می‌رود، اما زندگی آخرت هرگز تمام نمی‌شود و نعمتهای آن همیشگی است. اگر شخص ذره‌ای عقل و شعور داشته باشد باید چیزی را انتخاب کند که بتواند همیشه با خود داشته باشد و انتخاب کردن چیزی که نتواند آنرا همیشه نگه دارد کمال ابله‌ی و نادانی است، ولی چون بر عقل ما پرده‌ای کشیده شده است به زیبایی اتاق انتظار ایستگاه دنیا دل بسته‌ایم. خداوند متعال خاتمه‌ی ما را نیک گرداند.

در خاتمه از تمام عزیزانی که بنده را در رابطه با جمع‌آوری کتاب خصوصاً برادران عزیز جناب آقای عبداللطیف شعبانی و آقای حامد عصار رودی متصدی کیمیا رایانه شهرستان خواف که در امور تایپ و خواهر زهرا خوشامن که در امور ویرایش کتاب اینجانب را همکاری کردند کمال تشکر و امتنان را دارم.

عبدالحمید گل مهرآبادی

تقریظ مولانا مطهری

نحمده ونصلی علی رسوله الکریم، اما بعد:

طلبه‌ی عزیز آقا عبدالحمید گل مهرآبادی سه رساله بنامهای ۱- نافرمانی والدین ۲- خاتمه‌ی نیکو ۳- احکام تفریح و ورزش در اسلام را که از عربی به فارسی ترجمه کرده بود به اینجانب ارائه نمود. با مطالعه‌ی قسمتی از مطالب رسائل مذکور و مضامین آن را نافع و مفید برای خوانندگان یافتیم امید است که طلاب و اهل علم احساس مسؤولیت نموده و از هر گونه سعی و تلاش جهت ارائه‌ی فرهنگ اسلامی به مردم کوتاهی نفرمایند.

اینجانب ضمن تقدیر و تشکر برای توفیق بیشتر این طلبه‌ی عزیز از خداوند متعال التماس دعا دارم.

(مولانا) حبیب الرحمن مطهری

مدیر حوزه‌ی علمیه‌ی احناف خواف

۱۳۸۵/۳/۱۷

تقریظ مولانا شهاب الدین شهیدی (حفظه الله)

شیخ الحدیث حوزه علمیه احناف خواف

نحمده و نصلی علی رسولہ الکریم

اما بعد رساله‌ی در پیش که موضوعش خاتمه نیکو می‌باشد و ابعاد مختلف موضوع را بررسی نموده برگردانی است از رساله‌ی عبدالله بن عبدالمحسن ترکی که توسط طالب عزیز عبدالحمید گل مهر آبادی ترجمه و جهت استفاده عموم به زبان فارسی ترجمه گردیده است و در اختیار مردم قرار داده شده است امید است خداوند به مترجم عزیز و محترم توفیق خدمت بیشتر و بهتر و به جوانان عزیز و مسلمانان شوق و علاقه استفاده کاملتر از این رساله عنایت بفرماید.

با التماس دعای خیر

(مولانا) شهاب الدین شهیدی

تقریظ مولانا عبدالله موحدی (حفظه الله)

استاد حدیث حوزه علمیه احناف خوآاف

الحمد لله وكفی وسلام علی عباده الذین اصطفی، و بعد:

حقیر چند صفحه از سه رساله ی ۱- احکام تفریح و ورزش در اسلام ۲- نافرمانی والدین ۳- خاتمه ی نیکو، که توسط برادر عزیز و ارجمند عبدالحمید گل مهرآبادی وفقه الله ترجمه گردیده و از این حقیر تقاضای تقریظ نموده بود مطالعه نمودم و چون موضوعات رسائل مذکوره که مبتلا به عموم مردم بوده و بویژه برای نسل جوان عصر حاضر بسیار مفید یافتم خیلی خوشحال شدم شیوه ی استدلال و اسلوب بیان موضوعات، طوری عالمانه و وضاحت دارد که بهر خوانندگان اطمینان قلبی بخشیده و مجذوب آن می گردد، در خاتمه از الله تعالی خواستارم که به عمر و علم و عمل مذکور (جزاه الله عنا و عن سائر المسلمین خیر الجزاء) برکت عطا فرموده و ایشان را برای موضوعات علمی و دینی بیشتر و بهتر موفق نموده و این گونه خدمات علمی و دینی را مورد قبول خود قرار دهد آمین و لله الحمد اولاً و آخراً.

الاحقر الداعی ابوالفضل عبدالله موحدی عفی عنه

۱۳۸۵/۳/۲۱ هـ ش مطابق با ۱۴۲۷/۵/۱۴ هـ ق

فصل اول: خاتمه نیکو

الحمد لله الذي وسعت رحمته كل شيء وأحصى كل شئ عدداً، رحم من شاء من عبادة فهياً لهم في الدين ما يرفع به درجاتهم في الآخرة فصابروا على طاعته واجتهدوا في عبادته، إن أصابتهم سراء شكروا فكان خيراً لهم و إن أصابتهم ضراء صبروا فكانوا كمن قال الله تعالى فيهم: ﴿إِنَّمَا يُؤَقِّبُ الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾، أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأشهد أن محمداً عبده ورسوله، المبعوث رحمة للعالمين صلى الله عليه وسلم تسليماً كثيراً.

حمد و سپاس بیکران آن ذاتی را که رحمتش بر تمامی چیزها گسترانیده شده است. بر هر کس از بندگانش بخواهد رحم می‌کند و در دنیا برای بندگانش اسبابی را فراهم آورده تا سبب علو درجات آنها در آخرت قرار گیرد. اگر بر طاعت و بندگی او صبر کردند و در عبادت کوشیدند و هنگامی که به آنها سرور و خوشحالی رسید، الله را شکر کردند، این عمل برای آنها بسیار نیکو و با ارزش است و اگر به آنها ضرری رسید و در مقابل صبر را اختیار کردند، الله تعالی آنها را جزء گروهی قرار می‌دهد که در موردشان فرموده است:

﴿إِنَّمَا يُؤَقِّبُ الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ [الزمر: ۱۰]

«همانا مزد صابرين بشمار و کامل داده می‌شود».

گواهی می‌دهم بر این که هیچ معبودی غیر او وجود ندارد، از شریک مبرا و پاک است و گواهی می‌دهم بر این که محمد ﷺ بنده و رسول مبعوث او و رحمت للعالمین است درود و سلام فراوان بر او باد.

ای انسان، نصیب هر شخصی از دنیا عمر او است اگر در این مدت کوتاه عمرش چیزی را ذخیره کرد که برای سرای آخرتش سود داشته باشد و سبب نجات او از دوزخ شود آن شخص در تجارت سود و منفعت زیادی را کسب کرده است. اما اگر برعکس عمل کرد و به سوی معاصی و گناه رفت و به درگاه الهی رجوع و توبه نکرد در زمره خاسرین قرار گرفت است و چه بسیار افرادی که در زیر خاک هستند و جز افسوس، چاره دیگر ندارند که چرا در

دنیا عملی را انجام ندادند. که در روز جزا و در دار آخرت برایشان منفعتی داشته باشد. اما این افسوس هیچ نتیجه‌ای جز ندامت و پشیمانی در بر ندارد.

شخص بهشتی بر این افسوس می‌خورد، که کاش در دنیا عمل نیک بیشتری انجام می‌داد. تا در آخرت در مقام بالاتری قرار می‌گرفت و شخص جهنمی نیز بر این حسرت و افسوس می‌خورد که چرا در این دنیا در مدت عمر خود به معاصی روی آورد. و گناه انجام داد، و به سوی خداوند رجوع نکرد و فریب شیطان را خورد.

اما ای انسان، آگاه باش که عاقل و دانا کسی است که قبل از این که خداوند او را محاسبه کند خود به حساب نفس خویش می‌پردازد و از گناهان خود نیز ترس دارد که مبادا سبب هلاکت او شود چنان که حضرت عبدالله بن مسعود رضی الله عنه می‌فرماید:

«المؤمن یری ذنوبه کانه قاعد تحت جبل یخاف أن یقع علیه».

«شخص مؤمن، گناهان خود را مانند کوهی می‌بیند که زیر آن نشسته است و ترس دارد که سبب هلاکت او قرار گیرد».

چه بسیار افرادی هستند که بر گناهان صغیره استمرار دارند و آن را انجام می‌دهند و برای آنها انجام گناه صغیره آسان است اما فکر نمی‌کنند که زمانی همین گناهان کوچک سبب هلاکت آنها می‌شو و در خاتمه آنها اثر سوء می‌گذارد.

چنان که انس بن مالک رضی الله عنه می‌فرماید:

«إنکم لتعلمون أعمالا هی أدق فی أعینکم من الشعر کنا نعدھا فی عهد رسول الله ﷺ

من المویقات».

«ای بندگان خدا، شما اعمالی را انجام می‌دهید، که در نزد شما مانند مویی بسیار کوچک به شمار می‌رود. در حالی که در زمان رسول خدا ﷺ آنها را از مهلکات به حساب می‌آوردیم و عقیده داشتیم که همین‌ها سبب هلاکت شخص می‌شود».

چه بسا انجام گناه صغیره سبب انجام گناه کبیره می‌گردد، چنانکه بزرگان فرموده‌اند.

«معظم النار من مستصغر الشرر».

«شعله‌های بزرگ آتش از آتش پاره‌هایی کوچک سرچشمه می‌گیرد».

الله تعالی تمامی مؤمنین را به اهمیت حسن خاتمه (خاتمه نیکو) ترغیب و تشویق می‌کند. و فرموده است.

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾ [آل

عمران: ۱۰۲]

«ای مسلمان، بترسید از الله چنانکه باید و نمیرید مگر در حالی که مسلمان باشید».

و در جایی دیگر فرموده است: ﴿وَأَعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ﴾ [الحجر: ۹۹]

«عبادت کن پروردگارت را تا وقتی که مرگ تو فرا برسد».

و آگاه باش که امر به تقوی و ترس از الله و طاعت و بندگی او تا آخرین رمق انسان به خاطر کسب خاتمه نیکو ادامه دارد.

چنان که رسول خدا ﷺ فرموده‌اند که بعضی از مردم در طاعت و بندگی خداوند بسیار تلاش و کوشش می‌کنند و مدت بسیار زیادی از دوران حیات خود را با دوری از گناهان سپری می‌کنند، اما آنگاه که زمان مرگشان فرا می‌رسد به سوی معاصی و گناهان روی می‌آورند که همین عمل بر خاتمه آنها اثر سو، می‌گذارد. و سبب بدبختی آنها در سرای آخرت می‌گردد. رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

«وإن الرجل ليعمل بعمل أهل الجنة حتى ما يكون بينه وبينها إلا ذراع فيسبق عليه الكتاب

فيعمل بعمل أهل النار فيدخلها».

«افرادی هستند که عمل اهل جنت را انجام می‌دهند تا اینکه بسیار به جنت نزدیک می‌شود اما اجل و تقدیر بر آنها پیشی می‌گیرد و عمل اهل جهنم را انجام می‌دهند و از اهل دوزخ قرار می‌گیرند».

در حدیثی از سهل بن سعد ساعدی رضی الله عنه روایت شده است که رسول خدا ﷺ در جنگی مقابل مشرکین صف آرایی کردند و بعد از جنگ هر یک از دو طرف به سوی لشکریان خود برگشتند. و رسول خدا ﷺ نیز به طرف مجاهدین آمدند. در همین اثنا در میان

اصحاب مردی بود که از همه بیشتر در این جنگ تلاش کرده بود یعنی تمام گوشه و کنار جنگ را گشت می‌زد و اگر شخص از کفار را می‌دید، او را از پای درمی‌آورد و به اسفل‌السافلین می‌فرستاد. بعد به رسول‌خدا ﷺ گفته شد که امروز هیچ شخصی اندازه فلانی اجر و پاداش کسب نکرده است و هیچ کس گوی سبقت را از او نگرفته است. رسول‌خدا ﷺ در جواب فرمودند: «**أما إنه من اهل النار**» او جهنمی است. یکی از اصحاب هنگامی که این قول رسول‌خدا ﷺ را شنید، گفت: من با او همراه می‌شوم تا ببینم عاقبت این شخص چه می‌شود.

که رسول‌خدا ﷺ این سخن را فرمود. و با او همراه شد و به دنبال او رفت. در حین جنگ به او مجروحیت شدیدی رسید و بر این زخم و مجروحیت خود طاقت نیاورد و خودکشی کرد شمشیر خود را بر زمین گذاشت و تیزی او را میان سینه خود قرار داد و خود را بر آن رها کرد و خود را از پای درآورد. این صحابی که او را همراهی می‌کرد، به نزد رسول‌خدا ﷺ آمد و گفت: «**أشهد أنك رسول الله**».

رسول‌خدا ﷺ فرمود: چه شده؟ جواب داد «آن شخصی که گفتم، جهنمی است، راست گفتم» سخنی که گفت، برای مردمی که در اطراف رسول‌الله ﷺ بودند، تعجب‌آور بود و به نظرشان بزرگ و عجیب آمد آن صحابی گفت: من او را دنبال کردم. و در هنگام جنگ با مجروحیت شدیدی روبرو شد. صبر نکرد و خودکشی کرد. رسول‌خدا ﷺ هنگامی که این کلام را شنیدند فرمودند:

«**إن الرجل ليعمل عمل أهل الجنة فيما يبدو للناس وهو من أهل النار وإن الرجل**

ليعمل عمل أهل النار فيما يبدو للناس وهو من أهل الجنة».

«افرادی هستند که عمل اهل جنت یعنی عمل نیکو و صالح انجام می‌دهند. و مردم یقین دارند که آنها بهشتی هستند. در حالی که اهل دوزخند و در مقابل انسانی دیگر هست که از نظر کردار و عمل مانند اهل جهنم عمل می‌کند، و مردم گویند که او از اهل دوزخ است. در حالی که او بهشتی است.»

الله ﷻ صفات مؤمنین را در قرآن بیان نموده است: ﴿إِنَّ الَّذِينَ هُمْ مِنْ خَشِيَةِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ ﴿٥٧﴾ وَالَّذِينَ هُمْ بِعَائِتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ ﴿٥٨﴾ وَالَّذِينَ هُمْ بِرَبِّهِمْ لَا يُشْرِكُونَ ﴿٥٩﴾ وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ ﴿٦٠﴾ أُولَٰئِكَ يُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ ﴿٦١﴾﴾ [المؤمنون: ۵۷ - ۶۱]

آنان کسانی که از عذاب پروردگار خود ترس دارند. آنان که به آیات پروردگار خود ایمان دارند. و آنان که برای پروردگار خود شریک مقرر نمی‌کنند. و آنان که می‌دهند. آنچه می‌دهند در حالی که دل‌هایشان ترسان است. به سبب آن ایشان به سوی رب خویش رجوع کنندگانند این جماعت کسانی هستند که در نیکی می‌شتابند و به سوی آن سبقت کنندگانند.

الله ﷻ در این آیات چند صفت از مؤمنین را بر شمرده است که در وجود هر کس این صفات یافت شد او مؤمن است. ۱- از عذاب الهی خوف بسیار دارند. ۲- به آیات الهی ایمان دارند. ۳- برای خداوند شریک مقرر نمی‌کنند. ۴- در راه خداوند انفاق می‌کنند در حالی که دل‌هایشان برای رجوع به رب خویش ترسان است. ۵- در نیکی‌ها شتاب دارند. ۶- در شتاب به سوی نیکی با همدیگر رقابت دارند و مسابقه می‌دهند.

حالات تمامی اصحاب رضوان‌الله‌علیهم اجمعین نیز همین‌طور بود که از الله ترس داشتند و عمل نیکوی زیادی انجام می‌دادند و هر کس قصد داشت از دیگری سبقت بگیرد چنانکه (احمد) از حالت حضرت ابوبکر رضی الله عنه روایت می‌کند که می‌فرمود:

«وَدِدْتُ أَنِّي شِعْرَةٌ فِي جَنْبِ عَبْدِ مَوْمِنٍ، وَكَانَ رضی الله عنه يَمْسِكُ بِلِسَانِهِ وَيَقُولُ هَذَا الَّذِي

أُورِدْنِي الْمَوَارِدَ».

«کاش من مویی در بدن مؤمن بودم» و در حالی که حضرت ابوبکر رضی الله عنه زبان خود را گرفته بود می‌گفت: این زبان، مرا در جاهایی بسیار وارد کرده است.

این حالت بهترین امت پیامبر ﷺ بوده است. اما حالت حضرت علی علیه السلام چگونه بوده، روایت شده که این حضرت فرمود: من از دو چیز زیاد ترس دارم ۱- آرزوهای طولانی ۲- پیروی هواهای نفسانی، که این دو چیز سبب هلاکت بسیاری از مردم می‌گردد.

اما سبب خوف ایشان چه بود؟ می‌فرماید: آرزوهای طولانی سبب می‌شود که انسان از آخرت فراموش کند. چه بسا انسان آرزوهایی را در دل دارد و به آنها نمی‌رسد و مرگ به سراغ او می‌آید. در حالی که نه برای آخرت خود چیزی را ذخیره کرده و نه به آرزوی خویش رسیده است. اما پیروی هواهای نفسانی انسان را از حق منحرف می‌گرداند. و در جایی حضرت علی علیه السلام فرموده که دنیا پشت کرده و می‌رود. یعنی دنیا به آخر الزمان رسیده و قیامت نزدیک است. و آخرت به سرعت به سوی انسان می‌آید. و این را بدانید که هر یک از این دو (دنیا و آخرت) فرزندان دارد. شما کاری کنید که از فرزندان آخرت باشید و مواظب باشید تا از فرزندان دنیا قرار نگیرید. که دنیا و محبت و آرزوهای آن سبب هلاکت شخص در هر دو جهان می‌شود. بدانید که امروز روز عمل و کشت و کار است. و روز حساب و برداشت نیست. اما فردا (آخرت) روز بر داشت و حساب است و روز عمل و کشت نیست. و اگر کسی چیزی را در این دنیا کشت کرد فردا آن را برداشت می‌کند. همان‌طور که می‌دانید مرگ ناگهانی در اسلام بسیار زشت و ناپسند است. زیرا انسان را در حالت بی‌خبری فرا می‌گیرد. و هیچ‌گونه مهلتی به او نمی‌دهد و چه بسا انسانهایی بودند که مشغول معصیب بوده‌اند و در همان حال روحشان از بدن جدا شده و خاتمه آنها با معصیت و گناه همراه شده است و اثر بدی بر او می‌گذارد خداوند ما را در پناه حقّش محافظت فرماید.

همچنین سلف صالح ما، از خاتمه سوء، ترس بسیار زیادی داشتند، چنان که سهل تستری می‌فرماید: صدیقین در تمامی اوقات عمر خود از این ترس داشتند که مبدا با خاتمه سوء از این دنیا رخت سفر ببندند همان‌گونه که الله عز و جل آنها را در قرآن توصیف نموده است: ﴿وَقُلُوبُهُمْ وَجَلَةٌ﴾ آنها افرادی هستند که قلوبشان ترسان است. انسان باید در

تمامی حالات متوجه باشد که عملی را انجام ندهد که بر خاتمه او اثر سوء بگذارد و با خاتمه سوء از این دنیا برود.

و باید همیشه این حالت در مقابل چشمش مجسم و ظاهر باشد. زیرا همین خوف از خاتمه سوء سبب می‌شود که انسان به سوی عمل نیک روی بیاورد و عمل خود را به طور صحیح انجام دهد. چنان که رسول خدا ﷺ فرموده‌اند: «من خاف أدلج، ومن أدلج بلغ المنزل، ألا إن سلعة الله غالية ألا إن سلعة الله الجنة».

کسی که از خاتمه خود ترس داشته باشد شتاب می‌کند و کسی که شتاب کرده به منزل می‌رسد. آگاه باشید، کالای خداوندی بسیار گران است و کالای الهی جنت است که به آسانی به دست نمی‌آید و باید برای به دست آوردن آن زحمت کشید. همان‌طور که برای به دست آوردن هر چیزی باید زحمت بکشیم. و برای اشخاصی که موت آنها فرا رسیده و علامات مرگ در وجودشان ظاهر شده است باید امید آنها در آن هنگام بیشتر شود. و برای ملاقات الله مشتاق باشند. چنانکه گفته شده است «من أحب لقاء الله أحب الله لقاءه» «کسی که مشتاق ملاقات با الله باشد الله جل جلاله نیز مشتاق ملاقات با او است».

رسول خدا ﷺ فرمودند: «لا يموتن أحدكم إلا وهو يحسن الظن بالله عزوجل» «در حالی از دنیا بروید که نسبت به الله ﷻ گمان نیک داشته باشید».

اما چه بسیار از مسلمانان جاهل بر وسعت رحمت الهی و بر عفو و مغفرت او توکل کرده‌اند و می‌گویند که الله ﷻ غفور و رحیم و رحمت او وسیع است. و در بحر گناهان غوطه‌ور شده‌اند و گناهان بسیاری انجام می‌دهند و از خدا بی‌خبرند و به سوی او توبه و رجوع نمی‌کنند و فقط بر این توکل کرده‌اند که الله ﷻ بخشنده و مهربان است و بر جهل خودشان باقی مانده‌اند در حالی که این استدلال آنها بسیار خطا است و سبب هلاکت آنها می‌گردد. چنان که رسول خدا ﷺ فرموده‌اند: «الکیس من دان نفسه وعمل لما بعد الموت والعاجز من أتبع نفسه هواها تمنى على الله» «عاقل، کسی است که نفس خود را پست

بشمارد و برای بعد از مرگ عمل کند و شخص عاجز و نادان، کسی است که از هواهای نفسانی خود پیروی کند و بر خدا توکل داشته باشد.»

ای انسان، بدان در حالی که خدا، غفور الرحیم است در مقابل شدید العقاب نیز هست و در قرآن در جاهای متعددی به آن اشاره کرده است.

﴿ نَبِيَّ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴾ ﴿ وَأَنَّ عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ الْأَلِيمُ ﴾

[الحجر: ۴۹ - ۵۰]

«ای پیامبر ﷺ بندگان مرا خبر ده همانا من آمرزنده مهربانم و بدرستی که عذاب من عذاب درد دهنده است.»

و در جایی دیگر فرموده است:

﴿ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴾ ﴿ غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ﴾

ذِي الطَّلَوِّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَهِي الْمَصِيرُ ﴿ [المؤمن: ۲ - ۳]

«نازل کردن کتاب از جانب خداوند غالب و داناست، آمرزنده گناه و پذیرنده توبه و سخت عقوبت کننده است.»

کرخی می فرماید: امید رحمت داشتن از کسی که او را اطاعت نمی کنی عین بی خردی است. و همچنین شخص مسلمان باید همیشه در این فکر باشد که اگر از مردم قرضی دارد آن را ادا کند و بر ادا کردن آن حریص باشد و حدیثی از رسول خدا ﷺ روایت شده که فرمودند:

«من أخذ أموال الناس يريد أداءها أدى الله عنه ومن أخذ يريد إتلافها أتلفه الله عليه.»

«کسی که اموال مردم را بگیرد و قصد ادای آن را داشته باشد خداوند از جانب او قرضش را ادا می کند یعنی خداوند طریقه ادای قرضش را فراهم می نماید، و اگر قرض گرفت اما قصد تلف مال مسلمان را داشت. خداوند نیز مال او را تلف می کند و اصلاً نخواهد توانست مال را فراهم کند.»

اگر بر شخصی ظلم و ستمی روا داشته یا از او غیبت کرده باید به فکر حلالیت آن باشد و از طرف مقابل، طلب عفو و بخشش کند. زیرا هیچ شکی نیست، که در روز قیامت آن شخص حقیقت را مطالبه می‌کند و حتماً خداوند او را محاکمه خواهد کرد و روایت شده که اگر حیوانی، حیوانی دیگر را شاخ بزند در روز قیامت زنده می‌شود و قصاص می‌گیرد. شخصی که مدیون است یا ظلمی را بر برادر خود روا داشته، اگر حسناتی در اعمال نامه او باشد، از حسنات او به طرف مقابل داده می‌شود و اگر نیکی نداشته باشد از گناهان طرف مقابل برداشته می‌شود و به او داده خواهد شد. و رسول خدا ﷺ فرمودند: که نفس مومن به خاطر دینش معلق است تا بر او فیصله شود.

فصل دوم:

اسباب خاتمه سوء

اسبابی که منشاء خاتمه سوء انسان است

۲- آرزوای طولانی

۱- تأخیر در توبه

۴- خودکشی

۳- حبّ معصیت و انجام آن

تأخیر در توبه

آنچه بر همه مسلمانان واجب است این است که در تمام دوران و لحظات زندگی به سوی الله ﷻ رجوع کنند و به درگاه او توبه و استغفار نمایند: الله ﷻ در قرآن فرموده است:

﴿وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ [النور: ۳۱]

«ای مومنان به سوی خداوند رجوع کنید تا رستگار شوید».

همان‌طور که می‌دانید رسول خدا ﷺ معصوم است و تمامی گناهان ماضی و آینده او بخشیده شده است با این حال روزی صدبار به سوی خداوند توبه و استغفار می‌کردند.

و اغر المزنی رضی الله عنه روایت می‌کند که رسول خدا ﷺ فرمودند:

«يا أيها الناس! توبوا إلى الله فإنني أتوب في اليوم مائة مرة».

«ای مردم! به سوی خداوند توبه و رجوع کنید زیرا من در روزی صدبار به سوی او

توبه می‌کنم».

و در جایی فرموده است: «إن التائب من الذنب كمن لا ذنب له» «توبه‌کننده از گناه

مانند شخصی است، که گناه ندارد».

اگر شخصی از آماج حملات وساوس و فریب شیطان که به وسیله آن انسان را گمراه می‌کند نجات یافت و دچار وساوس شیطانی نشد او پیروز شده است. زیرا شیطان در دل انسان رسوخ می‌کند و به او می‌گوید، که برای رجوع به سوی خداوند و فرصت زیادی دارد و او را با فکر و وسوسه خود فریب می‌دهد تا در توبه تأخیر کند. و همچنین در دلش وسوسه می‌کند که اگر توبه کردی و بعد از آن بار دیگر مرتکب آن گناه شدی، توبه اصلاً پذیرفته نمی‌شود یا این که می‌گوید: ای انسان تو حالا جوانی هستی از این جوانی و شکوفه عمرت استفاده کامل را بگیرد و خود را در این مدت زیاد پای‌بند به طاعت و

بندگی قرار نده، و هنگامی که به سن کهولت (۵۰ تا ۶۰) رسیدی توبه نصوح خواهی کرد. در آن وقت مسجد را بر خود لازم بگیرد و اعمالی را انجام بده تا مقرب درگاه الهی شوی. اما ای انسان آگاه باش که اینها همه وسوس شیطانی است و چه بسا افراد هستند که به سن کهولت نمی‌رسند. یا فرصت توبه را دست نمی‌آورند. در آیات و احادیث است که اگر صدبار توبه کردی و بعد از آن گناه انجام دادی از درگاه الهی ناامید مشو و شاعر شیرین سخن فرموده:

همچنین بعضی از بزرگان فرموده‌اند: که همین که در توبه، امروز و فردا کردی، یکی از وسوس شیطانی است و شیطان همیشه در این فکر است، که انسان را از حق منحرف گرداند برای مومن مقید به امور شرعی و انسان مفرط (که از احکام شرع غافل شده است)، مثالی زده‌اند فرموده‌اند: مثال این دو شخص مانند قومی است که اراده سفر به شهری را دارند. هنگامی که در این سفر حرکت می‌کند و به مقصد می‌رسد در میان ایشان دو نفر هستند. که یکی به محض رسیدن به مقصد، به فکر کارهای خویش می‌افتد و به شهر رهسپار می‌شود. تمام مایحتاج سفر خود را آماده و مهیا می‌کند. و کوله بار سفر را برای برگشت می‌بندد و خوب فکر می‌کند که چه چیزی در طول مسافرت لازم است همه را مهیا می‌کند و شادمان، منتظر اعلان حرکت است. اما شخص دیگر از اول که به مقصد رسیده، هیچ به فکر سفر خود نیست و با خود می‌گوید (فردا به شهر می‌روم و مایحتاج خود را آماده می‌کنم). تا اینکه امیر قافله اعلان حرکت می‌دهد و هیچ فرصتی برای تأمین مایحتاج خود را ندارد.

دنیا به منزله همین شهر است که باید انسان برای سرای آخرت تمام زاد و توشه خود را مهیا کنند و آماده سفر به دار آخرت باشد مومن راسخ هنگامی که در این دنیا فانی به فکر آخرت است و عمل نیکو انجام می‌دهد و تمام امور شرعی را مطابق با قرآن و سنت رسول ﷺ انجام می‌دهد و هنگامی که مرگ به سراغش می‌آید، با آغوش باز از او استقبال می‌کند و خوشحال است. که به ملاقات پروردگار و جنت‌الماوی که تمامی نعمت‌ها در آن یافت می‌وشد می‌رود اما شخص که در انجام امور شرعی کوتاهی می‌کند مانند همان

مسافرت غافل است که هیچ زاد و توشه‌ای برای خود آماده نکرده و هنگامی که مرگ به سراغش بیاید خیلی ناراحت می‌شود و در آن هنگام افسوس می‌خورد که ای کاش عمل نیکو انجام می‌دادم و زاد و توشه‌ای برای آخرتم بر می‌داشتم اما این افسوس خوردن جز ندامت و پشیمانی نتیجه دیگری ندارد و در آن وقت می‌گوید.

﴿حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ ﴿١٠٠﴾ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا

تَرَكَتُ﴾ [المؤمنون: ۹۹ - ۱۰۰]

«پروردگارا! مرا به دنیا برگردان تا عمل صالح انجام دهم.»

اما در این وقت هیچ چیزی، نصیب او نمی‌شود و توبه او نیز پذیرفته نخواهد شد.

آرزوهای طولانی

سبب بدبختی بسیار از مردم همین آرزوهای طولانی است طوری که شیطان آنها را وسوسه می‌کند و در مقابل چشمانشان عمر زیادی را به تصویر می‌کشد آنها را طوری وسوسه می‌کند که از آخرت غافل می‌شوند و مدام در این فکرند که چگونه به این آرزوهای خود برسند و هیچ‌گاه مرگ دیگران را نیز به یاد نمی‌آورند و اگر لحظه‌ای بیاد آورند به آن توجه نمی‌کنند و از مرگ دیگران نیز عبرت نمی‌گیرند زیرا که به لذات و خوشگذرانی دنیا مشغول شده‌اند و محبت دنیا جلو چشمانشان را گرفته است و چشم بصیرت هم ندارند که با چشم بصیرت به دنیا نظر کنند این دنیا مثل باد زودگذر است. و رسول خدا ﷺ، امت خود را از دو چیز بر حذر داشته‌اند و می‌فرمایند: «إِنَّ أَشَدَّ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ خَصْلَتَانِ: اتِّبَاعَ الْهَوَىٰ وَطُولَ الْأَمَلِ، فَأَمَّا اتِّبَاعَ الْهَوَىٰ فَإِنَّهُ يَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ وَأَمَّا طُولَ الْأَمَلِ فَإِنَّهُ الْحُبُّ لِلدُّنْيَا».

پیامبر ﷺ فرمود: «که من در مورد دو چیز برای شما می‌ترسم: ۱- پیروی از هواهای نفسانی ۲- آرزوهای طولانی. پیروی هواهای نفسانی شما را از حق منحرف می‌کند، و آرزوهای طولانی سبب افزایش محبت دنیا در قلوب شما می‌گردد.»

انسان باید آخرت را بر دنیا ترجیح دهد و اول به فکر آبادکردن خانه آخرت خود باشد. زیرا آبادکردن خانه آخرت اصل است و بعد به فکر دنیا باشد، زیرا دنیا محل کشت است و آخرت محل برداشت کشت که همان عمل صالح می‌باشد. هرطور کشت کردی به همان طریق کشت خود را برداشت می‌کنی، و باید انسان طوری در دنیا عمل کند که خداوند او را با منعمین درگاه خود محشور گرداند زیرا آنها به فکر خانه آخرت خود بودند و دنیا در مقابل چشمان آنان هیچ ارزشی نداشت. معنی واقعی چهار گروه هستند که خداوند آنها را در قرآن ذکر نموده است: ﴿وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَٰئِكَ رَفِيقًا﴾ [النساء: ۶۹] «و کسی که خدا و پیامبر را اطاعت کند، (در روز رستاخیز)، همنشین کسانی خواهد بود که خدا، نعمت خود را بر آنان تمام کرده؛ از پیامبران و صدیقان و شهدا و صالحان؛ و آنها رفیقهای خوبی هستند!»

۱- انبیا ۲- راست‌گویان ۳- شهدا ۴- صالحین - اما در مقابل کسی که دنیا را بر آخرت خود ترجیح داد، آثار و علایم محبت دنیا در وجودش ظاهر است و آن شخص مشغول به زیورآلات و لذات دنیا است و چنین شخصی خودش موجبات هلاکت خویش را فراهم آورده و خداوند او را از آخرت و از حشر با انعام‌کنندگان درگاهش محروم می‌گرداند. اما آثار و علایم قصر (آرزوهای کوتاه) در دو چیز است: ۱- مبادرت و سبقت به سوی اعمال خیر و نیکو ۲- غنیمت شمردن اوقات زودگذر عمر، زیرا مدت عمر انسان از طرف الله ﷻ مقدر است و کم و زیاد نمی‌شود و در اختیار او است و هرچه از دست رفت هیچ‌گاه بر نمی‌گردد.

رسول خدا ﷺ در حدیثی ما را به سبقت گرفتن در هفت چیز امر کرده است و فرموده: «بَادِرُوا بِالْأَعْمَالِ سَبْعًا، هَلْ تَنْتَظِرُونَ إِلَّا فَقْرًا مُنْسِيًا، أَوْ غِنًى مُطْغِيًا، أَوْ مَرَضًا مُفْسِدًا، أَوْ هَرَمًا مُفْنِدًا، أَوْ مَوْتًا مُجْهَزًا، أَوْ الدَّجَالَ فَشَرٌّ غَائِبٌ يُنْتَظَرُ، أَوْ السَّاعَةَ فَالسَّاعَةُ أَدْهَى وَأَمْرٌ».

«پیش از هفت چیز به انجام اعمال صالحه بشتابید: آیا انتظار می‌کشد مگر فقری را که شما را بفراموشی وا دارد یا ثروتی که شما را طغیانگر سازد، یا بیماری که وجودتان را فاسد کند یا پیری که شما را خَرَف و تنبل کند یا مرگی که شما را بشتاب دریابد و یا دجال که بدترین غایبی است که انتظارش را می‌کشند. یا قیامت که حقا قیامت، بزرگترین آزمون و تلخ‌ترین شان است.»

حضرت عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت می‌کند. که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله شانه‌های مرا گرفتند و فرمودند:

«**کن فی الدنیا کأنک غریبٌ أو عابر سبیل**» «در دنیا مانند: شخص بیگانه یا مسافر زندگی کن» - زیرا شخص مسافر به جایی که داخل می‌شود. کارش را انجام می‌دهد. و می‌رود. شما هم در دنیا مانند آنها باشید. در این دنیا آمده‌اید تا عمل نیکو انجام دهید. و برای آخرت زاد و توشه بردارید و کوچ کنید.

عبدالله بن عمر رضی الله عنهما فرمود: «**إذا أمسیت فلا تنتظر الصباح وإذا أصبحت فلا تنتظر المساء وخذ من صحتک لمرضک ومن حیاتک لموتک**».

«ای انسان، هنگامی که شب کردی، در انتظار صبح مباش و اگر به صبح رسیدی انتظار شب مباش و از وقت حیات برای بعد از مردن خود توشه بگیر یعنی عمل صالح انجام ده و در انجام افعال نیک تأخیر مکن که اگر مرض یا موت به سراغت بیاید در آن وقت استطاعت نداری که عمل نیکو انجام دهی.»

و رسول خدا صلی الله علیه و آله مومنین را نصیحت می‌کند. که به طرف آرزوهای طولانی نشتابند و با چشم بصیرت به دنیا نگاه کنند زیرا دنیا مثل باد زود گذر است چنانکه در قصه حضرت سلیمان که مورچه‌ای ایشان را نصیحت می‌کرد از ایشان سوال کرد که ای سلیمان آیا می‌دانی، خداوند چرا باد را در اختیار تو قرار داد؟ فرمود (خیر) - مورچه گفت: بخاطر اینکه دنیا مثل باد است. کسی که بر دنیا اعتماد کرد مانند آن است که بر باد اعتماد کرده و یکی از صفات باد این است که یک بار می‌وزد و یک بار نمی‌وزد و سریع می‌رود.

حب معصیت و انجام گناه

هنگامی که انسان با گناه مانوس شد و گناه را به کرات انجام داد و به درگاه الهی رجوع نکرد. شیطان لعین بر وجود و فکر او غالب می‌شود تا اینکه او را از هدف اصلی که رضایت الهی و رسیدن به جنت است باز می‌دارد و حتی در لحظات آخر حیاتش نیز او را تنها نمی‌گذارد یعنی به گونه‌ای بر او مستولی می‌شود. که هر چه خویشاوندان و اطرافیانش کلمه شهادت را به او تلقین می‌کنند. گناه و معصیت بر فکرش غالب می‌شود و استطاعت ندارد کلمه شهادتین را بر زبان جاری کند و از کارهایی که قبل از مرگ انجام می‌داده است صحبت می‌کند و بدون کلمه شهادتین و با همان حالت فجیع از دنیا رخت سفر برمی‌بندد.

در این باره چند قصه بیان شده است که ذکر آن در اینجا بی‌فایده نخواهد بود:

۱- مردی در بازار دلال بود و خرید و فروش می‌کرد. هنگامی که مرگش فرا رسید و در بستر مرگ افتاد، فرزندانش قصد داشتند. شهادتین را به او تلقین کنند و به نزدش آمدند. و در حالی که شهادتین را به او تلقین می‌کردند، او در جواب می‌گفت (۵، ۴ تومان ۵، ۵ تومان ۵، ۴ تومان) و اصلاً قادر به گفتن کلمه شهادتین نشد و بدون کلمه از دنیا رفت.

۲- شخص دیگری مرگش فرا رسید. به او گفتند کلمه شهادتین را بر زبان جاری کن. در جواب می‌گفت:

یا رب قائله یوما وقد تعبت کیف الطريق إلی حمام منجباب

۳- شخص دیگری مرگش فرا رسید. به او گفتند: (کلمه شهادتین را بر زبان جاری کن)

در جواب اظهار بی‌نیاز می‌کرد و می‌گفت: (من به این کلمه نیازی ندارم) خداوند عز وجل بر زبان من و شما و تمامی مسلمین کلمه شهادتین را جاری گرداند. چه بسا مرگ در حالی به سراغ انسان می‌آید. که او مشغول معصیت و گناه است و الله عز وجل بر او غضب می‌کند و روحش در همان حالی که به غضب الهی دچار شده از بدن جدا

می‌شود و بر همان حال در حضور الهی قرار می‌گیرد و رسول خدا ﷺ فرموده‌اند: «من مات علی شیء بعثه الله علیه» الله ﷻ بندگان خود را بر همان حالی که جان آنها را قبض کرده است. محشور می‌گرداند.

خودکشی

هنگامی که به انسان مصیبت و بلائی رسید و در مقابل صبر کرد و از خداوند اجر و پاداش طلب نمود، خداوند نیز پاداش بسیاری زیادی نصیب او می‌کند. اما اگر در مقابل بی‌صبری کرد و از زندگی به تنگ آمد و خودکشی را بهترین روش خلاصی از این مشکلات و مصائب خود یافت، بدون هیچ شکی به سوی معصیت و غضب الهی روی آورده و غضب خداوند را برای خود فراهم آورده است و نفسی را به ناحق از بین برده است و حضرت ابوهریره رضی الله عنه از رسول خدا ﷺ روایت می‌کند که فرمود: «الذی یخنق نفسه یخنقها فی النار، والذی یطعن نفسه یطعن فی النار» هر انسانی که خود را در دنیا خفه کند در آتش دوزخ نیز خود را خفه خواهد کرد و هر کسی خود را در دنیا نیزه بزند در آخرت نیز خود را نیزه خواهد زد. یعنی هر شخصی به هر حالتی که در دنیا خودکشی کند در آخرت نیز به همان صورت در آتش دوزخ عذاب داده خواهد شد.

و همچنین ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده است که شخصی با رسول خدا ﷺ در غزوه خیبر شرکت نمود و رسول خدا ﷺ به او که ادای اسلام می‌کرد اشاره کرد که او جهنمی است. هنگامی که جنگ شروع شد این شخص در مقابل مشرکین خوب جنگ را شروع کرد و با آنها جنگید ولی در اثنای جنگ به او مجروحیت شدیدی رسید و در همین هنگام شخصی به نزد رسول خدا ﷺ آمد و گفت: (آن شخص که تو گفתי جهنمی است با مشرکین خوب جنگید و فوت کرد). رسول خدا ﷺ باز هم فرمود (اهل دوزخ است) هنگامی که مسلمانان این کلام رسول ﷺ را شنیدند: تعجب کردند. اما در همین اثنا شخصی به نزد رسول آمد و گفت که او فوت نکرده، بلکه موضوع از این قرار است که در هنگام جنگ شدیداً مجروح شد و بر این جراحت خود طاقت نیامد و صبر نکرد و

در پاسی از شب خودکشی کرد. رسول خدا ﷺ در این هنگام گفت: (الله أكبر، أشهد أني عبدالله ورسوله)، و به حضرت بلال دستور داد تا برای مردم اعلان کند. (إنه لن يدخل

الجنة إلا نفس مسلمة وإن الله ليؤيد هذا الدين بالرجل الفاجر)

ای مردم! آگاه باشید که هیچ شخصی داخل جنت نمی‌شود. مگر این که مسلمان کامل باشد و همانا خداوند دین خود را با مرد بدکار نیز نصرت و تقویت می‌کند.

فصل سوم:

اسباب نجات قلب از غفلت و جهالت

اما چگونه قلوب خود را از غفلت و جهالت نجات دهیم و به طرف اعمال نیکو بشتابیم. در این باره رسول خدا ﷺ چند مورد را برای ما بیان نموده است که در همین فصل بیان خواهد شد.

اسباب نجات قلب از غفلت و جهالت:

- ۱- یاد مرگ
 - ۲- زیارت قبرستان
 - ۳- غسل دادن اموات
 - ۴- حضور در تشییع جنازه
 - ۵- عیادت مریض
 - ۶- زیارت صالحین
- در اینجا هر یک را مختصراً شرح می‌دهیم:

یاد مرگ:

یاد مرگ، انسان را نسبت به دنیا بی‌رغبت می‌گرداند و به سوی آخرت راهنمایی می‌کند و سبب می‌شود که انسان برای عمل نیکو کوشش کند. و از شهوات دوری نماید. حضرت ابوهریره رضی الله عنه از رسول خدا ﷺ روایت می‌کند که فرمود:

«اکثروا من ذکر هادم اللذات»

چیزی را که از بین برنده‌ی لذات دنیا است زیاد یاد کنید یعنی مرگ را به خاطر بیاورید.

«وعن ابن عمر رضی الله عنهما قال: قال رجل من الأنصار: من أکیس الناس وأکرم الناس یا رسول الله؟ فقال ﷺ: أكثرهم للموت ذکراً أو أشدهم استعداداً له، أولئك هم الأکیاس، ذهبوا بشرف الدنيا وکرامة الآخرة».

مردی انصاری از رسول خدا ﷺ سوال کرد: داناترین و بزرگواریترین مردم چه کسانی‌اند؟ رسول خدا ﷺ فرمود: «کسی که مرگ را زیاد به خاطر بیاورد و بیشترین آمادگی را برای مرگ داشته باشد. این گروه عاقل‌ترین و بزرگواریترین مردم هستند که با شرافت دنیا و کرامت آخرت از دنیا می‌روند».

هنگامی که انسان در مورد مردگان می‌اندیشد که زمانی قدرتمند بودند و اموال فراوانی داشتند اما اکنون در زیر خاک و مازان و کرم‌ها بر آنان مسلط شده‌اند و توانایی دور کردن

کرم‌ها را ندارند، در حالی که در زمان حیاتشان، کسی نمی‌توانست به آنان نزدیک شود و هر دستوری که صادر می‌کردند، اطاعت می‌شد، اما امروز استخوانهایشان پراکنده شده و اثری از آنها بر جا نمانده است، در مورد خود فکر می‌کند که آیا من نیز به جایی خواهم رفت که این شخص رفته است، یا نجات خواهم یافت؟ آیا مرگ به سراغ من نیز می‌آید؟ وقتی می‌بیند که راه رهایی برایش وجود ندارد، خود را برای آخرت آماده می‌کند و به سوی اعمال می‌رود و عمل نیکو انجام می‌دهد زیرا همین عمل صالح در آخرت سبب نجات و سرفرازی او می‌شود.

زیارت قبرستان:

زیارت قبرستان، پند بسیار خوبی برای بیداری قلب انسان است و انسان را از غفلت و جهالت نجات می‌دهد. هنگامی که انسان این جایگاه حفر شده را می‌بیند که با دست خویش اموات خود را در لحد بسیار تنگی دفن می‌کند و خشت‌ها را بر روی لحد می‌گذارد و خاک بر او می‌ریزد و سپس بر می‌گردد و اموال او را تقسیم می‌کنند و با همسر او ازدواج می‌کنند. و بعد از مدت بسیار کمی فراموش می‌شود در حالی که قبل از مرگ کسی جرات تعریض بر او را نداشت و هر کاری که موافق خواسته‌اش بود انجام می‌گرفت، اما اکنون هیچ کاری نمی‌تواند انجام دهد در این هنگام در خود نظر می‌افکند و عبرت می‌گیرد که من هم، چند روز دیگر به این حالت گرفتار می‌شوم و فراموش خواهم شد و اموال من تقسیم می‌شود در این صورت به سوی خداوند عز و جل رجوع و توبه می‌کند و اهمی قول رسول خدا صلی الله علیه و آله را درک می‌نماید که فرموده است:

«زوروا القبور فإنها تذكركم الموت» «قبور را زیارت کنید که به یاد مرگ می‌افتید».

غسل اموات و تشییع جنازه:

هنگامی که انسان میت را می‌بیند که او را بر روی چوب دور می‌دهند و هیچ حرکتی از خود ندارند در حالی که قبل از مرگ اینگونه نبوده است این پند بسیار خوبی است زیرا چه بسیار افرادی که قبل از مرگ انسانهای بسیار نیرومندی بوده‌اند در حالی که بعد

از مرگ جسدشان خمیده شده و هیچ حرکتی ندارد و کسی که او را غسل می‌دهد به هر طرف که بخواهد او را می‌چرخاند.

مکحول دمشقی هنگامی که جنازه‌ای را می‌دید می‌گفت: هنگامی که جنازه‌ای را می‌بینم که غسل می‌دهند و هیچ حرکتی از خود ندارد در می‌یابیم که در غفلت به سر می‌بریم و مرگ ناخودآگاه همگی ما را یک به یک از دنیا فانی به سرای آخرت می‌برد و هیچ یک از ما متوجه نمی‌شویم که مرگ چه وقت به سراغمان می‌آید.

و حالت حضرت عثمان رضی الله عنه طوری بود هنگامی که در تشییع جنازه شخصی حاضر می‌شد بسیار گریه می‌کرد هنگامی که مردم این عمل حضرت عثمان رضی الله عنه را دیدند. تعجب کردند و به آن حضرت گفتند: ای عثمان رضی الله عنه چه خبر است؟ هنگامی که از بهشت و دوزخ یاد می‌شود گریه نمی‌کنی اما هنگامی که در سر قبر شخصی حاضر می‌شوی بسیار گریه می‌کنی؟

در جواب فرمود: که از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم فرمودند: «إِنَّ الْقَبْرَ أَوْلَ مَنَازِلِ الْآخِرَةِ، فَإِنَّ

نَجَا مَنَّهُ صَاحِبُهُ فَمَا بَعْدَهُ أَيْسَرُ مَنَّهُ وَإِنْ لَمْ يَنْجُ مَنَّهُ فَمَا بَعْدَهُ أَشَدُّ».

«قبر اولین منزل آخرت است. اگر از قبر به سلامتی عبور کرد و برایش مشکلی پیش نیامد، ما بعد آن برایش آسان خواهد شد اما اگر از اولین منزل آخرت که قبر است به سلامتی عبور نکرد و به مشکل برخورد کرد بعد از آن هم برایش سخت‌تر است». یعنی اگر شخصی در دنیا عمل صالح انجام داد و از عذاب قبر در امان ماند ما بعد آن که قیامت است هیچ مشکلی برایش پیش نمی‌آید. اما اگر از فتنه قبر در امان نماند عبور از مراحل بعد قیامت برایش مشکل خواهد بود و در روز حساب و کتاب در بارگاه الهی شرمنده می‌شود و هیچ جوابی را در مقابل الله عز و جل نمی‌یابد.

زیارت صالحین:

هنگامی که انسان شخص صالحی را می‌بیند قلبش بیدار می‌شود و به وجد در می‌آید همتش برانگیخته می‌شود و به طرف عمل صالح و رضایت الهی روی می‌آورد هنگامی که

می‌بیند آنان در عبادت و بندگی الهی تلاش بسیار می‌کنند و با یکدیگر در مورد اطاعت از الله ﷻ رقابت دارند و مسابقه می‌دهند و هیچ هدفی جز رضای الهی و رسیدن به جنت ندارد و از این دنیای فانی اعتراض می‌کنند و آن را پشت سر خویش انداخته‌اند، به سوی نیکی می‌رود زیرا اگر انسان به دنیا مشغول شد از رسیدن به هدف اصلی یعنی همان رضایت الله ﷻ و رسیدن به جنت باز می‌ماند. الله ﷻ در قرآن، رسول خدا ﷺ را امر به مجالست با این گروه نموده و فرموده است که این چنین مومنین مخلص را از صحبت و مجالست خود مستقید نما و آنها را از خود جدا مکن. ﴿وَأَصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ ۗ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۗ وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَن ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرْطًا ۝﴾ [الكهف: ۲۸] «نفس خود را با آنان که پروردگار خویش را در صبح و شام باد می‌کنند، حبس کن که آنها رضای او را می‌خواهند و یابد چشمان تو آنها را نگذارد از این افراد، آرامش زندگی دنیا را طلب می‌کنی. از کسانی که ما دلشان را از یاد خویش غافل ساختیم و از هواهای نفسانی پیروی کرده‌اند، اطاعت مکن و کار او از حد گذشته است».

برای حسن گفتند: ای ابا سعید: با چه گروهی مجالست نماییم؟ آیا با گروهی که از ما می‌ترسند مجالست کنیم که قلوب ما به پرواز درآید و به وجد درآئیم؟ در جواب فرمود: اگر با آن اشخاص که از شما می‌ترسند مجالست کنید تا از شما امنیت و آرامش را دریابند بهتر است از این که با گروهی مجالست نمایید که از جانب شما در امنیت قرار دارند اما بعد از مجالس با شما خوف و ترس را بیابند.

فصل چهارم:

اعمالی که بر حسن خاتمه

دلالت دارند

رسول خدا ﷺ فرمود: اگر وفات هر شخص با یکی از این اعمال به پایان برسد این بشارتی است بر این که خاتمه او نیک می‌باشد:

کسی که آخرین سخن او، کلمه شهادتین باشد:

چنان که معاذ بن جبل رضی الله عنه از رسول خدا ﷺ روایت کرده که فرمود:

«من كان آخر كلامه لا إله إلا الله دخل الجنة»

کسی که آخرین کلام او کلمه شهادت باشد داخل جنت می‌شود.

کسی که بخاطر اعلائی کلمه الله شهادت نصیبتش شود:

چنان که الله جل جلاله در قرآن فرموده است:

﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۚ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ۚ يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةِ اللَّهِ وَفَضْلِهِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [آل عمران: ۱۶۹ - ۱۷۱]

«ای پیامبر! هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند! بلکه آنان زنده‌اند، و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند. - آنها بخاطر نعمتهای فراوانی که خداوند از فضل خود به ایشان بخشیده است، خوشحالند؛ و بخاطر کسانی که هنوز به آنها ملحق نشده‌اند (مجاهدان و شهیدان آینده)، خوشوقتند؛ (زیرا مقامات برجسته آنها را در آن جهان می‌بینند؛ و می‌دانند) که نه ترسی بر آنهاست، و نه غمی خواهند داشت. - از نعمت خدا و فضل او (نسبت به خودشان نیز) مسرورند؛ و (می‌بینند که) خداوند، پاداش مؤمنان را ضایع نمی‌کند؛ (نه پاداش شهیدان، و نه پاداش مجاهدانی که شهید نشدند)».

هنگامی که در حال جهاد یا در حال محرم بودن برای حج، وفات کند:

رسول خدا ﷺ فرمودند: «من قتل في سبيل الله فهو شهيد ومن مات في سبيل الله فهو

شهيد».

«کسی که در راه خدا کشته شود یا در راه خدا وفات کند آن شخص، شهید است».

و رسول خدا ﷺ در مورد کسی که برای حج احرام بست و در وسط راه، سواریش او را انداخت و وفات نمود فرموده است: «اغسلوه بهاء وسدر و کفنه فی ثوبیه ولا تخمروا رأسه فإنه یبعث یوم القیامة ملیباً».

«شخصی که به این حالت بمیرد او را با آب و سدر بشوئید و او را در لباسش کفن کنید و سرش را هم نپوشید زیرا در روز قیامت، تلبیه گویان محشور می‌گردد».

هنگامی که اطاعت الله آخرین عمل او باشد:

حدیثی از رسول خدا ﷺ روایت می‌کند که فرموده: «من قال لا إله إلا الله ابتغاء وجهه الله ختم له بها دخل الجنة ومن تصدق بصدقة ابتغاء وجه الله ختم له بها دخل الجنة».

در این حدیث رسول خدا سه چیز را بیان نموده‌اند که اگر انسان آخر عمرش با این سه چیز همراه باشد و هدف او رضای الهی باشد. اهل جنت است. ۱- گفتن کلمه شهادتین ۲- روزه گرفتن ۳- صدقه دادن.

کسی که به خاطر دفاع از پنج چیز که شریعت نیز حقوق آنها را حفاظت کرده، کشته شود شهید محسوب می‌شود. ۱- دین ۲- نفس ۳- مال ۴- آبرو ۵- عقل:

سعید بن زید از رسول خدا ﷺ روایت می‌کند. که فرمودند: «من قتل دون ماله فهو شهید، و من قتل دون أهله فهو شهید و من قتل دون دینه فهو شهید، و من قتل دون دمه فهو شهید».

کسی که به خاطر دفاع از مال و خانواده دین و خودش (نفس خود) کشته شود، شهید است.

کسی که به سبب امراض و آگیردار فوت کند در حالی که بر آن مریض صبر کرده و از خداوند اجر و ثواب طلب کند. در ذیل چند چیز از رسول خدا ﷺ بیان شده:

- ۱- طاعون: انس بن مالک رضی الله عنه از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که فرمود: «الطاعون شهادة لكل مسلم» برای هر مسلمان مرض طاعون شهادت است.
- ۲- سل: راشد بن جیش رضی الله عنه از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که فرمود: «قتل المسلم شهادة والطاعون شهادة والمرأة یقتلها ولدها جمعاء شهادة والسل شهادة».
- ۱- شخص که به ناحق کشته شود. ۲- کسی که به مرض طاعون بمیرد. ۳- زنی که بخاطر ولادت فرزند خود بمیرد. ۴- کسی که با مرض سل بمیرد و بخاطر آن فوت کرد. این چهار گروه شهید هستند.
- ۳- داء البطن (امراضی که در شکم موجود است)
- ابوهریره رضی الله عنه از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که فرمود: «ومن مات فی البطن فهو شهید» «هر انسانی به خاطر امراض شکم بمیرد شهید است».
- ۴- ذات الجنب: جابر بن عتیک رضی الله عنه از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می‌کند، که فرمودند: «وصاحب ذات الجنب شهید»: کسی که مرض ذات الجنب داشته باشد شهید محسوب می‌شود.
- زنی که در عده نفاسش به خاطر تولد فرزند جانس را از دست دهد. عباد بن صامت رضی الله عنه از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می‌کند فرمود: «والمرأة یقتلها ولدها جمعاء شهادة، یجرها ولدها بسرره إلى الجنة»: «زنی که به خاطر ولادت فرزند بمیرد شهید است و فرزند مادرش را با ناف به سوی جنت می‌برد».
- کسی که غرق شود یا بسوزد و کسی که دیوار یا خانه بر روی او منهدم شود.
- ابوهریره رضی الله عنه از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که فرمودند: «الشهداء خمسة: المطعون والمبطون والغرق وصاحب الهدم».

«شهداء پنج گروهند: ۱- کسی که نیزه از دشمن بخورد. ۲- کسی که داء البطن (امراض شکم) داشته باشد. ۳- کسی که غرق شود. ۴- کسی که خانه یا دیوار بر روی او منهدم شود».

و جابر بن عیتک رضی الله عنه از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می کند که فرمود: «الشهداء سبعة سوی القتل فی سبیل الله: المطعون شهید والغریق شهید وصاحب ذات الجنب شهید والمبطون شهید والحرق شهید والذی یموت تحت الهدم شهید والمرأة تموت بجمع شهيدة».

غیر از مجاهد فی سبیل الله که در راه خدا کشته شود، شهدا ۷ گروهند: ۱- کسی که نیزه به بدن او بخورد. ۲- کسی که بسوزد. ۳- کسی که غرق شود. ۴- کسی که مرض ذات الجنب داشته باشد. ۵- کسی که مرض داء البطن داشته باشد. ۶- دیوار یا خانه‌ای بر روی او منهدم شود. ۷- کسی که به خاطر ولادت فرزند بمیرد یعنی در هنگام تولد بچه جان خود را از دست بدهد.

شخصی که در شب جمعه وفات کند: حضرت عبدالله بن عمر رضی الله عنهما از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می کند که فرمودند: «ما من مسلم یموت یوم الجمعة أو لیلة الجمعة إلا وقاه الله فتنة القبر».

«هر مسلمان که در شب یا روز جمعه بمیرد خداوند او را از فتنه و عذاب قبر حفاظت می نماید».

هر مسلمانی که هنگام مرگ در پیشانی او عرق پدیدار شود: بریده از حصیب رضی الله عنه روایت می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «المؤمن یموت بعرق الجبین».

«مومن در حال قبض روح می شود که در پیشانی او عرق پدیدار شود».

خاتمه

در اینجا مواردی که الله ﷻ، آنها را سبب حسن خاتمه قرار داده است مختصر ذکر می‌شود.

۱- ترس از خدا ﷻ در هر حالت (پنهان، آشکارا)، تمسک و چنگ زدن به آنچه که رسول خدا ﷺ برای آن مبعوث شده است:

قرآن و امور شرعی

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾ [آل

عمران: ۱۰۲]

«ای مسلمانان، از الله ﷻ بترسید آنچنان که باید و نمیرید مگر در حالی که مسلمان باشید.»

بر تمامی بندگان لازم است که از معاصی و گناهان دوری کنند زیرا گناهان کبیره سبب هلاکت شخص قرار می‌گیرد. و گناهان صغیره هم با اصرار و تکرار کردن تبدیل به گناه کبیره می‌شود و کسی که آن را انجام دهد و به سوی خدا رجوع نکند و توبه و استغفار ننماید مثل گناه کبیره بر فکر وجودش غالب می‌شود و سبب هلاکت او در دنیا و آخرت می‌گردد. رسول خدا ﷺ فرمودند: «إِيَّاكُمْ وَمُحَقَّرَاتِ الذُّنُوبِ كَقَوْمٍ نَزَلُوا فِي بَطْنٍ وَادٍ فَجَاءَ ذَا بُعُودٍ وَجَاءَ ذَا بُعُودٍ حَتَّى أَنْضَجُوا خُبْزَهُمْ وَإِنَّ مُحَقَّرَاتِ الذُّنُوبِ مَتَى يُؤْخَذُ بِهَا صَاحِبُهَا تُهْلِكُهُ».

«پرهیز کنید از گناهان کوچک (صغیره) مانند قومی که در صحرائی فرود آیند. (اطراق کنند) و هر کدام یک چوب بیاورند (تا به آن آتشی روشن کنند) و نانشان را بپزند همانا گناهان کوچک هرگاه صاحب آن با آن مواخذ شود (این گناهان) او را هلاک می‌سازد یعنی چنانچه چوبهای متفرق که در کنار هم سبب روشن شدن آتش می‌شود همچنین گناهان صغیره سبب هلاکت صاحب خود می‌شود.»

۲- استمرار و مداومت بر ذکر الله ﷻ: شخصی که بر ذکر خداوند ﷻ مداومت کند و هیچ‌گاه وجودش از یاد الهی غافل نباشد و در سكرات موت نیز با یاد او مشغول باشد و

آخرین کلامی که بر زبان جاری می‌کند کلمه شهادتین یا ذکر الله باشد، بشارت رسول خدا ﷺ شامل حال او می‌شود: «من كان آخر كلامه لا إله إلا الله دخل الجنة»
 «کسی که آخرین کلام و سخن او، کلمه شهادت باشد داخل جنت می‌شود».
 سعید بن منصور از حسن رضی الله عنه روایت می‌کند از رسول خدا ﷺ سؤال شد. چه عملی از همه اعمال افضل و بهتر است؟ در جواب رسول خدا ﷺ فرمودند:
 «أن تموت يوم تموت ولسانك رطب من ذكر الله».

«در حالی از این دنیا بروی که زبان تو با ذکر الله تر و تازه باشد».

اللهم اجعل خير أعمالنا خواتيمها، وخير أيامها يوم لقائك، واجعلنا مع الذين
 أنعمت عليهم في جنتك وجوارك وصلى الله وسلم على نبينا محمد وعلى آله وصحبه.
 بار الها بهترین عمل ما را در روز خاتمه ما قرار بده، و بهترین روز را برای ما روز
 ملاقات خود قرار ده و ما را با آن گروهی که برایشان در جنت جوار خود انعام کردی
 حشر گردان و درود فراوان بر پیامبر و آل و اصحاب بفرست. (آمین)

پایان

۱۴۲۴/۱/۲۹ هـ ق مطابق با سال ۱۳۸۱